

ترجمه



بنزین ایران ارزان‌ترین در دنیا شد

جدیدترین آمارها از قیمت بنزین در دنیا نشان می‌دهد که ارزان‌ترین بنزین دنیا در ایران عرضه می‌شود و قیمت هر لیتر بنزین در کشورهای همسایه تا ۴۰ برابر قیمت این محصول در ایران است

به گزارش «ایران اقتصادی»، جدیدترین آمارها از قیمت بنزین در دنیا نشان می‌دهد ارزان‌ترین بنزین دنیا در ایران عرضه می‌شود به طوری که هر لیتر بنزین در این کشور تنها ۲٫۹ سنت قیمت دارد که ارزان‌تر از هر کشور دیگر است.

متوسط قیمت هر لیتر بنزین در دنیا ۴۵ برابر قیمت این محصول در ایران است. در اول ژانویه ۲۰۲۴ میلادی متوسط قیمت جهانی هر لیتر بنزین ۱٫۳ دلار بوده است.

قیمت بنزین در بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت دنیا حدود ۲۰ برابر قیمت این محصول در ایران است. قیمت بنزین در عربستان از ۱۷ کشور جهان گران‌تر است. هر لیتر بنزین در این کشور ۶۲ سنت قیمت دارد.

گران‌ترین بنزین در دنیا نیز در هنگ کنگ عرضه می‌شود. هر لیتر بنزین در هنگ کنگ ۳٫۱ دلار قیمت دارد که بیشترین در جهان است.

ونزوئلا و لیبی پس از ایران به ترتیب در رتبه‌های دوم و سوم جهان از نظر عرضه بنزین ارزان قرار دارند. هر لیتر بنزین در ونزوئلا به قیمت ۳٫۱ سنت و در لیبی به قیمت ۳٫۵ سنت عرضه می‌شود.

الجزایر، کویت، آنگولا، مصر، ترکمنستان، مالزی، و بحرین نیز به ترتیب در رتبه‌های چهارم تا دهم از این نظر قرار گرفته‌اند.

قیمت بنزین در عراق ۲۰ و در ترکیه ۴۰ برابر ایران است

قیمت این فرآورده نفتی در کشورهای همسایه ایران اختلاف بسیار زیادی با ایران دارد. هر لیتر بنزین در عراق ۵۷ سنت و در جمهوری آذربایجان ۵۸ سنت قیمت دارد که حدود ۲۰ برابر قیمت آن در ایران است. در امارات هر لیتر بنزین ۲۵ برابر گران‌تر از ایران است و در ترکیه هر لیتر بنزین یک دلار و ۱۶۹ سنت قیمت دارد که ۴۰ برابر قیمت بنزین در ایران است.

هر لیتر بنزین در افغانستان نیز ۳۶ برابر گران‌تر از ایران است. قیمت هر لیتر بنزین در این کشور یک دلار و ۵۹ سنت است.

در میان کشورهای صنعتی ارزان‌ترین بنزین در آمریکا عرضه می‌شود. هر لیتر بنزین در این کشور ۹۱ سنت قیمت دارد که ۳۱ برابر قیمت این محصول در ایران است.



تجارت ایران و اروپا ۳۷۰۰ میلیون دلاری شد

یورواستات از مبادلات تجاری بیش از ۳۷۰۰ میلیون یورویی ایران و اتحادیه اروپا در ۱۰ ماهه ۲۰۲۳ میلادی خبر داد.

به گزارش «ایران اقتصادی»، مرکز آمار کمیسیون اروپا (یورواستات) کل مبادلات تجاری ایران و ۲۷ عضو اتحادیه اروپا در ۱۰ ماهه ۲۰۲۳ را ۳٫۱ میلیارد و ۷۶۱ میلیون یورو اعلام کرد.

مبادلات تجاری ایران و اتحادیه اروپا در ماه‌های ژانویه تا اکتبر ۲۰۲۳ با کاهش ۱۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده است. در ۱۰ ماهه سال ۲۰۲۲ کل مبادلات در طرف ۴ میلیارد و ۳۶۷ میلیون یورو اعلام شده بود.

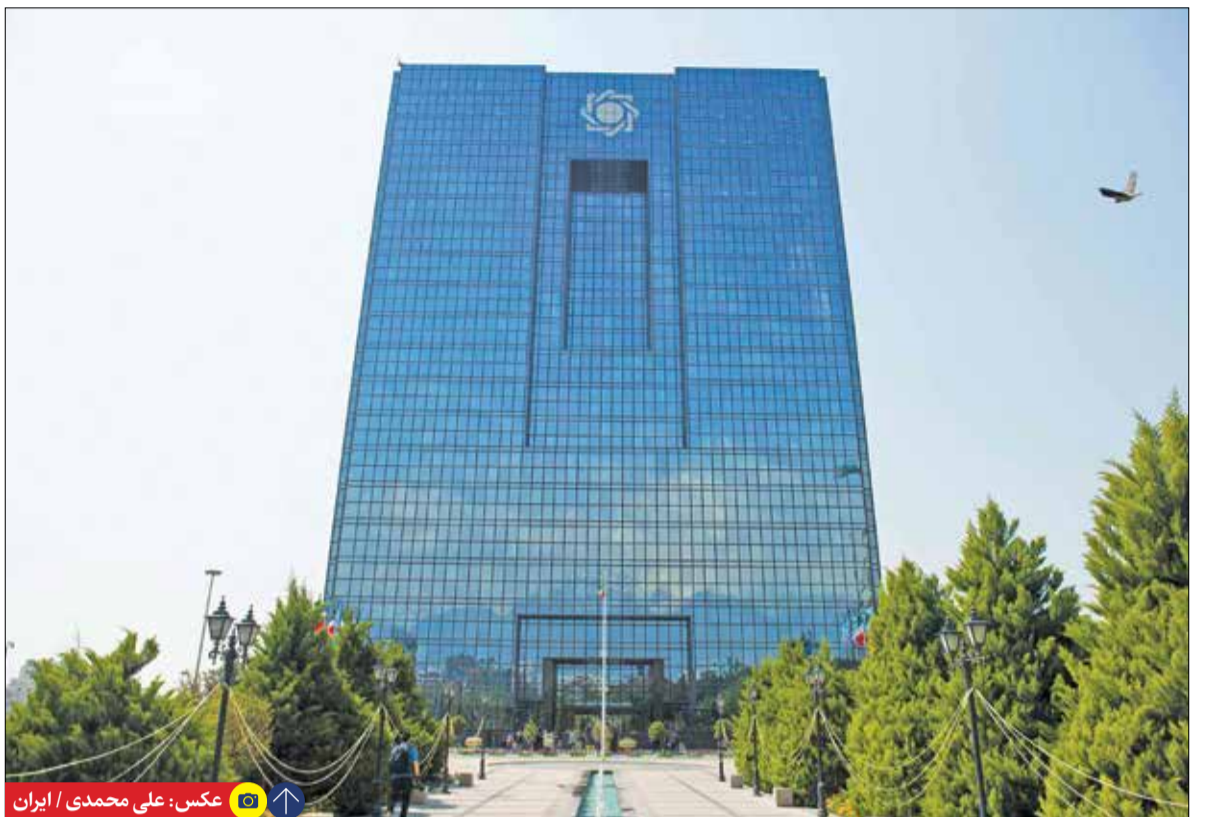
در میان اعضای اتحادیه اروپا، آلمان بیشترین سهم را در تجارت با ایران داشته به طوری که ۳۱ درصد از کل تجارت ایران با اروپا مربوط به این کشور بوده است. آلمان در ۱۰ ماهه ۲۰۲۳ بالغ بر ۱۹۱ میلیون یورو کالا از ایران وارد و ۹۷۷ میلیون یورو کالا به ایران صادر کرده است.

بر اساس این گزارش، صادرات اتحادیه اروپا به ایران در ۱۰ ماه نخست ۲۰۲۳ با کاهش ۱۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه شده و از ۳ میلیارد و ۴۷۸ میلیون یورو در ماه‌های ژانویه تا اکتبر سال ۲۰۲۲ به ۳ میلیارد و ۱۱۴ میلیون یورو در مدت مشابه سال ۲۰۲۳ رسیده است.

واردات اتحادیه اروپا از ایران در ماه‌های ژانویه تا اکتبر ۲۰۲۳ نیز افت ۲۷ درصدی داشته و به ۶۴۷ میلیون یورو رسیده است. اتحادیه اروپا در مدت مشابه سال قبل ۸۸۹ میلیون یورو کالا از ایران وارد کرده بود. بر اساس این گزارش در دهمین ماه سال ۲۰۲۳ صادرات اتحادیه اروپا به ایران نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۳ درصدی داشته و به ۳۰۶ میلیون یورو رسیده است. واردات این اتحادیه از ایران در این ماه ۳۲ درصد کاهش داشته که بالغ بر ۵۹ میلیون یورو است.



اساساً سیاست تثبیت به معنای میخکوب کردن نرخ ارز در یک عدد اسمی مشخص نبوده زیرا آثار سوء این سیاست بر تجارت و هدررفت منابع ارزی بر کسی پوشیده نیست بلکه سیاست تثبیت به معنای کاهش نوسانات نرخ ارز به منظور افزایش سطح قدرت پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد است



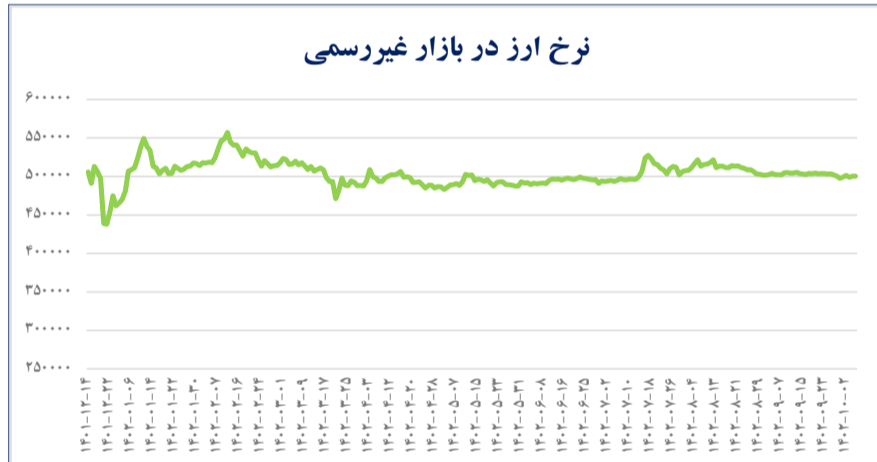
عکس: علی محمدی / ایران

نقدی بر تحلیل اشتباه برخی منتقدان دولت درباره سیاست‌های تثبیت اقتصادی بانک مرکزی

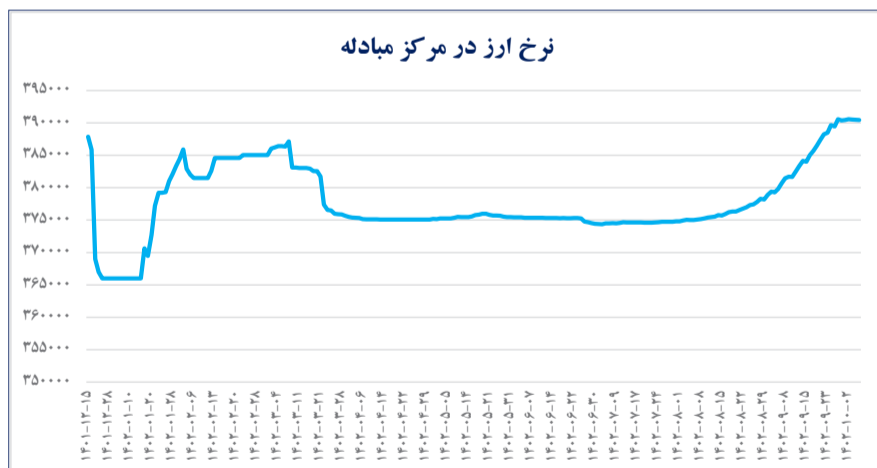
انتقادات عجیب از تثبیت نرخ ارز

یکی از منتقدان سیاست‌های پولی دولت که نرخ ارز را اخیراً ۸ هزاتومان تعیین کرده بود سیاست ارزی کشورهای عربی را که نرخ ارز آنها به دلار پگ شده و اقتصاد آنها دلاریزه شده است نقطه مطلوب سیاست ارزی دانست!

نرخ ارز در بازار غیررسمی



نرخ ارز در مرکز مبادله



گزارش

نزدیک به یک سال از اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی توسط بانک مرکزی سپری می‌شود و کارنامه عملکرد این بسته جامع سیاستی در بازار پول و ارز نشان از توفیق چشمگیر آن دارد؛ شاید بتوان اجرای سیاست‌های تثبیت اقتصادی را یکی از فعال‌ترین و پویاترین سیاست‌های پولی و ارزی کشور در تاریخ ادوار بانک مرکزی در اقتصاد ایران برشمرد.

در تخریب عملکرد این سیاست موفق اخیراً مدیرمسئول رسانه بازارنیوز در یادداشتی به بررسی عملکرد یک‌ساله محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی پرداخته است که در بخش‌های مختلف این یادداشت دچار خطای تحلیلی شده و بنابر همین خطا یک نتیجه‌گیری اشتباه را ارائه داده است. رضا غلامی مدعی می‌شود «بانک مرکزی در حال اجرای سیاست تثبیت نرخ ارز نیست، بلکه در حال مداخله در بازار ارز با نگاهی به تورم است؛ بانک مرکزی دچار روزمرگی است و برنامه مشخصی برای بازار ارز ندارد.» رضا غلامی همچنین در بخش‌های مختلف یادداشت خود مطالبی را در رابطه با برخی مسائل سیاست ارزی اعم از تجویز سیاست ارزی کشورهای حاشیه خلیج فارس برای ایران مطرح کرده و تورم ماهانه ۲ درصد را ناشی از سیاست ارزی بانک مرکزی دانسته که در این گزارش به برخی از اشتباهات فاحش تحلیلی وی پرداخته خواهد شد.

۱. ارائه آمار اشتباه از تغییرات نرخ ارز

رضا غلامی مدعی شده که «نرخ ارز در بازار مبادله بیش از ۳۵ درصد افزایش یافته، نرخ ارز در بازار قاچاق نیز با وجود ایجاد نرخ‌های متعدد، بیش از ۲۰ درصد افزایش یافته است.» اولاً در طرح این مدعا کافی است برپایه داده‌های رسمی روند قیمت حواله و اسکناس دلار در مرکز مبادله از اسفندماه سال گذشته که این مرکز افتتاح شد تا کنون بررسی شود که نشان می‌دهد این نرخ در کریدور ۳۶ تا ۳۸ هزار تومان بوده است و اساساً ادعای رشد ۳۵ درصدی نرخ ارز در مرکز مبادله در دوره فرزین بی‌اساس است. همچنین ادعای وی درباره رشد بیش از ۲۰ درصدی نرخ ارز در این بازه زمانی نیز اساساً اشتباه است و با راه‌اندازی مرکز مبادله و در پی افزایش سهم تقاضای رسمی در این مرکز و

خروج تقاضای رسمی از بازار غیررسمی، بازار غیررسمی ثبات نسبی را در طی یک‌سال گذشته تجربه کرده و مشاهده می‌شود که با راه‌اندازی مرکز مبادله از اسفند سال گذشته تاکنون، نرخ ارز در بازار غیررسمی در کریدور ۴۵ تا ۵۰ هزار تومان ثابت باقی مانده است. اینکه وی با قصد تخریب بانک مرکزی نرخ ارز دلخواه در بازه زمانی دلخواه و پیش از روی کار آمدن فرزین در بانک مرکزی را معیار بداند و بر همین اساس تغییرات را محاسبه کند و مدعی شود در دوره فرزین نرخ ارز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است درحالی که در واقعیت چنین اتفاقی نیفتاده است به دور از تحلیل‌های کارشناسی است.

از سوی دیگر اینکه غلامی به واسطه ثبات نسبی نرخ ارز در کریدورهای مشخص، سیاست ارزی بانک مرکزی را سیاست تثبیت نمی‌داند، یکی از خطاهای تحلیلی

اوست. لازم به ذکر است اساساً سیاست تثبیت به معنای میخکوب کردن نرخ ارز در یک عدد اسمی مشخص نبوده زیرا آثار سوء این سیاست بر تجارت و هدررفت منابع ارزی بر کسی پوشیده نیست بلکه سیاست تثبیت به معنای کاهش نوسانات نرخ ارز به منظور افزایش سطح قدرت پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد است که باتوجه به اینکه نرخ ارز نقش لنگر انتظارات تورمی را در اقتصاد ایران ایفا می‌کند، ثبات آن نقش قابل ملاحظه‌ای در افت انتظارات تورمی در طی یک‌سال گذشته داشته است.

۲. مقایسه اشتباه سیاست ارزی ایران با کشورهای حاشیه خلیج فارس

وی در بخشی از ادعای خود مدعی شده: «سیاست تثبیت نرخ ارز که امروز در بخش عمده‌ای از کشورهای جهان و به خصوص کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس مورد

تغییرات متغیرهای کلان اقتصادی در امریکا اتفاق می‌افتد، تغییر پیدا می‌کند و بانک مرکزی این کشورها، سیاست پولی در قبال نرخ بهره ندارد و باید نرخ را به‌گونه‌ای تنظیم کند که قیمت ارز ثابت بماند. مسأله سیاست پولی، نرخ ارز ثابت و ورود و خروج آزاد سرمایه، سه‌گانه‌ای است که امکان ندارد یک بانک مرکزی بتواند همزمان پیش‌ببرد و بسیاری از کشورها، نرخ ارز ثابت را فدا می‌کنند اما امارات و کشورهای مشابه تصمیم گرفته‌اند نرخ بهره را فدا کنند.»

۳. خطای تحلیلی در عدم مشاهده آثار سیاست تثبیت

غلامی در بخشی از یادداشت خود مدعی می‌شود: «چرا با وجود اعلام سیاست جدید بانک مرکزی مبنی بر مداخله فعال در بازار ارز و اعمال نرخ تثبیتی برای آن و نیز دیگر اقداماتی که توسط بانک مرکزی در بازار پول انجام داد، کماکان تورم ماهانه مثبت بوده و قیمت‌ها به طور متوسط ماهانه حدود ۲ درصد یا بیشتر افزایش می‌یابند؟»

فردی که مدعی کارشناس اقتصادی است اما بدون درنظر گرفتن بدیهی‌ترین روابط علت و معلولی از یک سو و بدون درنظر گرفتن تأخیر زمانی مشاهده آثار سیاست‌های پولی تنها به واسطه تورم ماهانه ۲ درصد نتیجه‌گرفته که سیاست ارزی و پولی ناکارا بوده است اگر نشان‌دهنده عدم درک صحیح وی از اقتصاد کلان نباشد بی‌شک نشان‌دهنده سوگیری وی در ارائه تحلیل است تا نتیجه مطلوب خود را عنوان کند. نگاه دقیق‌تر به عوامل تورم ۲ درصدی نشان می‌دهد بخش خوراکی‌ها سهم اصلی در تورم ماهانه را داشته که عواملی مانند بروز اختلالاتی در حجم عرضه گوشت یا نارسایی‌هایی که در سمت عرضه برخی محصولات وجود داشته است علت اصلی بروز آن بوده است و نه سیاست ارز بانک مرکزی. در بخش متغیرهای بنیادی کاهش نرخ رشد نقدینگی در طی یک سال گذشته نوید تداوم کاهش نرخ تورم در ماه‌های آتی را می‌دهد و ثبات نرخ ارز در طی یک‌سال گذشته علاوه بر اینکه سطح التهاب در بازارهای همسو با ارز را کاهش داد و باعث افت انتظارات تورمی شد، منجر به عدم ایجاد فشار هزینه از این ناحیه به بنگاه‌های تولیدی و واردکنندگان شد. در نتیجه این بخش از تحلیل سوء‌گیرانه غلامی نیز پشتوانه درستی ندارد.

اجرا است، از لوازم اصلی شفاف‌سازی عرصه تجارت خارجی و نیز شرط اصلی جذب سرمایه‌گذاری خارجی است» احتمالاً غلامی هنگام طرح این مدعا هیچ اطلاعی از سیاست ارزی کشورهای خلیج‌فارس نداشته که آن را نسخه‌ای از مطلوب می‌داند. به‌عنوان نمونه امارات ارز خودش را به دلار قفل یا به اصطلاح پگ کرده است و به‌عنوان مثال حواله‌های درهم معادل مشابهی از حواله‌های دلاری است.

به عبارت دیگر اتخاذ رویکرد رژیم نرخ ارز ثابت در قالب میخکوب‌شدگی به دلار، سال‌هاست توسط این کشورها اتخاذ شده است و اساساً اقتصاد آنها دلاریزه شده است. آیا تجویز سیاستی غلامی برای سیاست‌های ارزی دلاریزه شدن اقتصاد ایران به منظور آسیب‌پذیر شدن کشور در برابر تحریم‌هاست؟ از طرف دیگر، سیاست‌هایی مثل نرخ بهره با توجه به